

حوزه‌های معنایی لیل در قرآن

ملیحه طاهری دولت‌آبادی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۶

ابوالقاسم عاصی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۹

احمد زارع زردینی***

حمید شمع ریزی****

چکیده

معناشناسی از رویکردهای نوین در قرآن‌شناسی قرن اخیر است. این دانش در رشد و ارتقاء هرچه بیش‌تر قرآن‌شناسی امروز بسیار کارآمد بوده و مورد اقبال قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. یکی از شاخه‌های معناشناسی، معناشناسی ساختاری است و در این میان از مباحث آن تعیین حوزه‌های معنایی یک واژه است. در نوشتار پیش‌رو، به تبیین حوزه معنایی لیل در قرآن کریم پرداخته شده است. روش انجام پژوهش، تحلیل متنی بر پایه الگوی هم‌نشینی و جانشینی کلمات با واژه لیل است. این بررسی نشان می‌دهد، واژگانی که در فرآیند هم‌نشینی و جانشینی با این واژه در ارتباطند را می‌توان به زوج معنایی و زیرمجموعه‌های روابط معنایی شب و روز (فراگیر شدن، تقلیب لیل و نهار، تکویر لیل و نهار و...)؛ پدیده‌های همراه شب (ماه، ستارگان و تاریکی)؛ بخش‌های لیل (شفق، مغرب، و...)، کارکردهای لیل (عبادی، اجتماعی، تقویمی، طبیعی) و گونه‌های معنایی - مفهومی لیل (مکملی، اشتدادی، توزیعی و تقابلی) در قرآن مورد بررسی قرار داد.

کلیدواژگان: معناشناسی، حوزه‌های معنایی، لیل، هم‌نشینی، جانشینی، زوج معنایی.

Malihetahery2@gmail.com
mozneb1@iauyazd.ac.ir

* دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.

**** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.

نویسنده مسئول: ابوالقاسم عاصی

مقدمه

نگاه معناشناختی به متن و تحلیل معنایی واژگان آن، یکی از راه‌های دستیابی به دقایق معنا و پی بردن به مقصود اصلی گوینده است. این نوع نگاه، به طور خاص در یک متن دینی مانند قرآن که به باور مسلمانان عیناً سخن خداوند و معجزه الهی است و از سطوح معنایی متعددی برخوردار است به دلیل اهمیت پیام و نقش آن در تأمین سعادت جاودانه بشر اهمیتی مضاعف می‌یابد.

«حوزه معنایی» مجموعه‌ای از واژه‌هاست که به دلیل ویژگی‌های مشترک، به هم نزدیک شده‌اند و در یک محدوده معنایی، قابل بررسی گردیده‌اند (بزرگ‌خو، ۱۳۸۸ش: ۱۱). این مجموعه، متشکل از کلماتی است که دلالت آن‌ها به هم ارتباط دارد و معمولاً تحت واژه عامی که آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، جای می‌گیرند (مختار عمر، ۱۳۸۶ش: ۷۳). هدف تحلیل حوزه‌های معنایی، گردآوری تمام واژگانی که به حوزه مشخصی اختصاص دارند و کشف رابطه یکی با دیگری و نیز رابطه آن با اصطلاح عام و فراگیر است (صفوی، ۱۳۹۲ش: ۱۹۰)؛ محور جانمایی در معناشناسی زبانی به فرایند جایگزینی یک واحد واژگانی، بر حسب تشابه به جای واحد واژگانی دیگر گفته می‌شود (شعیری، ۱۳۸۱ش: ۱۰۸).

محور هم‌نشینی: روابطی در تار و پود واژه‌های زبان تنیده است و سبب می‌گردد تا الگوهای معنایی خاصی بر حضور واژه‌های زبان حاکم باشد (کروز، ۱۳۸۴ش: ۱۲۳). از جمله این روابط، روابط هم‌نشینی است. روابط هم‌نشینی، یکی از نشانه‌های زبانی است که مربوط به ترکیب کلمات در جمله یا کلام بوده و به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند و در معناشناسی زبانی، به فرآیند هم‌نشینی شدن واحدهای واژگانی بر روی هم، محور هم‌نشینی گویند. این فرآیند سبب می‌گردد تا در زبان خودکار، واحدهای هم‌نشین شده، تابع افزایش معنایی و کاهش معنایی قرار گیرند و یا با هم‌نشینی کنار هم، معانی متفاوتی به دست آورند (صفوی، ۱۳۸۴ش: ۱۲۶). در نوشتار پیش رو کوشش می‌شود تا با استفاده از تحلیل‌های مبتنی بر محور هم‌نشینی و جانمایی به تعیین حوزه‌های معنایی واژه لیل در قرآن پرداخته شود. بر این اساس سؤالات اصلی تحقیق این است که:

- آیا در قرآن واژگانی پیرامون حوزه معنایی واژه لیل آمده است؟
- کلمات هم‌نشین در کنار واژه لیل، چه تأثیری بر حوزه معنایی شب دارند؟

پیشینه تحقیق

در قرآن کریم و آموزه‌های دین، توجه خاصی به اوقات شده است به طوری که بسیاری از تعالیم آن‌ها بر حسب زمان و وقت بیان شده است. در راستای فهم زمان و اوقات و در نتیجه فهم تعالیم الهی قرآن، تحقیقات و منابعی وجود دارد که می‌توان پیشینه پژوهش‌های انجام شده در این رابطه را به چند دسته موضوعی تقسیم نمود که عبارت‌اند از:

- ۱- لغتنامه‌ها و معاجم معتبر که به واژه‌شناسی پرداخته‌اند، مانند کتاب «العین» از فرایدی؛ «مفردات الفاظ قرآن» از راعب اصفهانی؛ «لسان العرب» از ابن منظور، «التحقیق» از مصطفوی و ...
- ۲- تفاسیر قرآن: با توجه قرآن به مسائل علمی و تجربی، مفسران به شیوه تربیتی و روش علمی، به تفسیر آیات مربوطه پرداخته‌اند، مانند تفسیر «المیزان» از طباطبایی؛ «تفسیر نمونه» از مکارم شیرازی؛ «مخزن العرفان» بانو امین و ...
- ۳- کتاب‌هایی با موضوع تفسیر و اعجاز علمی قرآن: با پیشرفت دانش بشری دیدگاه تازه‌ای در باره مسائل طبیعی قرآن بوجود آمده و کتاب‌هایی پیرامون اعجاز قرآن نگاشته شده است، مانند «اعجاز القرآن الکریم» از فضل حسن عباس؛ «مفهوم الزمن فی القرآن الکریم» از محمد بن موسی.

معناشناسی واژه «لیل» در قرآن کریم

واژه «لیل» از نگاه لغت‌شناسان به معنای شب، غروب، شب‌هنگام، برنامه شبانه، تاریکی، شبانگاه؛ یعنی از مغرب تا سپیده دم آمده است. این واژه و مشتقات آن مانند «لیالی» (سبأ/ ۱۸)؛ «لیالی» (مریم/ ۱۰)؛ «لیلة» (بقره/ ۱۸۷)؛ «لیلاً» (یونس/ ۲۴)؛ «اللیل» (یونس/ ۶)؛ ۹۲ بار در قرآن کریم به کار رفته است و نام نود و دومین سوره قرآن کریم است. واژه «لیل» با حفظ معنای لغوی در کنار واژه‌های دیگری، مانند «النهار» (اسراء/

۱۲)؛ «الصَّيَامِ» (بقره / ۱۸۷)؛ «الْقَدْرِ» (قدر / ۱)؛ «ارْبَعِينَ» (بقره / ۵۱)؛ «ثَلَاثِينَ» (اعراف / ۱۴۲)؛ «مُبَارَكَةَ» (دخان / ۳)؛ «أَغْطَشَ» (نازعات / ۲۹)؛ «سَكَنَّا» (انعام / ۱۹۶)؛ «لِبَاسًا» (نبأ / ۱۰) و «سَبَّحَ» (طور / ۴۹) به کار رفته است. همچنین واژه لیل در کنار واژه‌های دیگری مانند اللَّیْلِ، جمع لَيْالٍ که برای مذکر و مؤنث به کار برده می‌شود. لیل را مطلق شب و لیلۃ را به معنای یک شب دانسته‌اند؛ لیل لَائِلٌ: شب بلند و بسیار تاریک یا تاریک‌ترین شب در ماه؛ لَيْلٌ مُلَيَّلٌ: شب دراز و تاریک، به کار رفته است. این نوع هم‌نشینی، وسعت کاربرد لیل را نشان می‌دهد که به دنبال قابلیت تحلیل در ابعاد مختلف را ممکن می‌سازد. بعضی اوقات برای فهم بهتر یک واژه از متضاد آن استفاده می‌شود. متضاد لیل، واژه یوم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۷۵۱).

گونه‌های روابط معنایی - مفهومی لیل در قرآن کریم

در علم معناشناسی روابط معنایی و مفهومی در قالب تعبیری چون «شمول معنایی» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۰)، «هم معنایی»، «چند معنایی» (رهنما، ۱۳۸۲ ش: ۱۷)، «تقابل معنایی» (پاکتچی، ۱۳۹۰ ش: ۲۵-۵)، «تباین معنایی»، «تضاد معنایی» و ... مطرح شده است؛ اما در حوزه مطالعات قرآنی، تمامی انواع روابط معنایی که زبان‌شناسان و معناشناسان در مطالعات خود از آن بهره می‌برند، لزوماً در واژگان قرآن کریم دیده نمی‌شود.

از طرفی با غور در آیات قرآن کریم به گونه‌هایی از روابط معنایی بین زوج‌های معنایی قرآن کریم اشاره داشت که تا کنون از سوی معناشناسان، به این موارد اشاره نشده است؛ لذا در رابطه با معناشناسی قرآنی در بیان انواع روابط مفهومی با تقسیم‌بندی جدیدی روبه‌رو می‌شویم (سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱ ش: ۲۳).

در مواجهه با کلمات قرآن کریم، می‌توان به ارتباط دو به دو این واژگان به عنوان «زوج معنایی» اشاره کرد که در چهار صورت قابل پیگیری می‌باشند:

الف) در شکل نخست، رابطه واژگان مبتنی بر ساختار نحوی است که از آن با عنوان مکملی (نحوی - معنایی) یاد می‌شود. مانند رابطه «مبتدا و خبر»، «فعل و فاعل»، فعل و مفعول «صفت و موصوف» و ...

در عرض این نوع از روابط، می‌توان به روابط معنایی- معنایی یا معنایی محض اشاره کرد که فراتر از رابطه‌های صرفی و سازه شناختی است و صرفاً مبتنی بر معنایی که در آیه از آن‌ها فهم می‌شود، با یکدیگر ارتباط دارند و کاملاً در حوزه معناشناسی قرار دارند. این نوع از روابط، در قالب سه رابطه اصلی طبقه‌بندی می‌گردد: «رابطه اشتدادی»، «رابطه تقابلی» و «رابطه توزیعی».

ب) رابطه اشتدادی برای مفهومی است که مؤلفه‌های معنایی مشترک داشته و در مقام تقویت یکدیگر می‌باشند. البته هم‌پوشی این دو معنا، گاهی اوقات به صورت نسبی است، مانند ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ (حج / ۶۱)

ج) رابطه تقابلی برای دو مفهومی است که مؤلفه‌های معنایی مشترک دارند، ولی یکدیگر را نقض کرده و در مقام تضعیف و نفی یکدیگر هستند. از این رو، در عین اتحاد در کلیت معنا، از دیگر جهات با یکدیگر افتراق دارند. مانند «يَكْفُرُ» و «يُؤْمِنُ» در آیه ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره / ۲۵۶)

د) رابطه توزیعی نیز در رابطه با دو مفهومی است که در یک حوزه معنایی قرار داشته، اما قلمروهای متمایزی با یکدیگر دارند. مانند ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا﴾ (نوح / ۵) (پاکتچی، ۱۳۹۰ ش: ۲۵-۵).

واژگان هم‌نشین « لیل » در قرآن کریم

از آنجا که هم‌نشینی، یکی از سطوح یا شیوه‌های بیان معناست، بررسی واژه « لیل » در کنار مؤلفه‌های هم‌نشین آن، تعیین می‌گردد؛ زیرا واژه لیل به تنهایی ساختمان تک لایه‌ای است و این به معنای ایستایی در لایه اول معناست و برای رسیدن به عمق معنای مورد نظر، بررسی مفاهیم هم‌عرض و هم‌نشین آن را لازم است. همچنین روابط چهارگانه (مکملی، اشتدادی، تقابلی، توزیعی) بین زوج‌های معنایی مشخص می‌شود. با تأمل در نوع رابطه زوج‌های معنایی واژه « لیل » در آیات نود و دوگانه، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

الف) در تمام آیات، واژه «لیل» در قالب اسمی و به صورت «لیل» (صد و هشتاد و یک مورد) و به صورت جمع «لیال» (چهار مورد) و به صورت مفرد «لیلة» (هفت مورد) به عنوان رکن اصلی جمله آمده است به گونه‌ای که حذف آن به معنای جمله لطمه وارد می‌کند.

ب) واژه «لیل» در تمام نود و دو زوج معنایی، دارای رابطه مکملی با هم‌نشین‌های خود است به جز در چهار مورد (فاطر / ۱۳، حدید / ۶، حج / ۶۱ و لقمان / ۲۹) رابطه اشتدادی دارند و با هیچ یک از واژگان هم‌نشین نیز در تقابل نیستند. همچنین در سه مورد (انبیاء / ۳۳، نوح / ۵ و فصلت / ۳۷) رابطه توزیعی وجود دارد. بر طبق بررسی آماری، پربسامدترین مفاهیم هم‌نشین «لیل» به قرار ذیل است: «خَلَقَ» سه بار، «اِخْتَلَفَ» نیز سه بار و «يَغْشَى» چهار مرتبه؛ بقیه هم‌نشین‌ها بسامد پایینی دارند که عبارت‌اند از:

واژگان هم‌نشین «لیل» در قرآن کریم

مفعولی	«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ سُكُورًا» (فرقان / ۶۲) و در آیات یونس / ۶۷؛ نبا / ۱۰؛ فرقان / ۴۷؛ نحل / ۱۲؛ ابراهیم / ۳۳؛ طور / ۴۹؛ نازعات / ۲۹؛ قصص / ۷۱
مفعول به	«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (انبیاء / ۳۳) و در آیات زمر / ۵؛ نور / ۴۴؛ اعراف / ۵۴ و رعد / ۳
صفت	«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود / ۱۱۴) و در آیات ذاریات / ۱۷؛ هود / ۸۱
موصوف	«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (دخان / ۳) و در آیه فجر / ۲
مبتدا	«وَأَيَّةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ» (یس / ۳۷) و در آیات یس / ۴۰؛ قدر / ۱ و ۲؛ فصلت / ۳۷؛ روم / ۲۳
خبر	«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (حج / ۶۱) و در آیه لقمان / ۲۹
جار و مجرور	«وَالْقَمَرَ وَاللَّيْلَ إِذْ أَدْبَرَ» (مدثر / ۳۳)
مجرور	«وَاللَّيْلَ إِذَا يَغْشَى» (لیل / ۱)
مضاف الیه	«إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ» (یونس / ۶)
ظرف	«وَأِذْ وَعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره / ۵۱)

و در آیات تکویر/ ۱۷ و اعراف/ ۱۴۲	
«فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ» (طه/ ۱۳۰) و در آیات آل عمران/ ۱۱۳؛ بقره/ ۱۸۷؛ مزمل/ ۲۰؛ اسراء/ ۱ و حاقه/ ۷	ظرف زمان

واژه جانشین با کلمه «لیل»

در این مرحله به کشف واژگان جانشین با کلمه «لیل» در قرآن کریم پرداخته شده است.

در آیه «نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا» (مزمل/ ۳) ضمیر «ه» جانشین واژه «لیل» در آیه «قُمْ اللَّيْلَ الْأَقِيلًا» (مزمل/ ۲) شده است. ضمیر در «نِصْفَهُ» به کلمه «لَیْل» بر می‌گردد، و معنای آیه این است که نیمی از شب را به پا خیز، و یا کمی از نصف کم کن، و یا اندکی بر نصف بیفز (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷: ۱۵۰).

زوج معنایی

در مواجهه با کلمات قرآن کریم، می‌توان به ارتباط دو به دو این واژگان به عنوان «زوج معنایی» اشاره کرد که به صورت‌های گوناگون قابل پیگیری است، مانند در سه آیه قرآن کریم، دو مفهوم قرآنی «لیل» و «سکینه» را به هم پیوند زده و هدف از پدیده شب را آرامش دانسته است و می‌فرماید: «فَاللَّيْلِ إِذَا يَأْتِي وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَنَّىٰ وَمَا يُدْبِرُهَا لَيْلٌ كَغَمِّهَا» (سجده/ ۵۷) و همچنین در آیه «هُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لَيْلًا وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا فِي ذَلِكَ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (یونس/ ۶۷) و نیز در آیه «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لَيْلًا وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» (غافر/ ۶۱). در آیات فوق، وجود نشانه‌های متعدد بر قدرت و ربوبیت خداوند در برقراری نظام شب و روز و بهره‌مندی از آیات الهی را اثبات می‌کند و می‌فرماید: خداوند برای ادامه حیات و اصلاح شئون معاش انسان‌ها شب را مایه سکونت و روز را جهت دیدن آفرید. از مجموعه روابط معنایی دو واژه «لیل» و «سکینه» در قرآن کریم و نیز دیگر مجموعه تعالیم اسلام مشخص می‌شود که خداوند متعال تمام کائنات را برای بشر آفریده است و شب را برای

آرامش انسان‌ها خلق کرده است، آرامش شب، آرامش ویژه‌ای است که در روز و در نهایت خستگی؛ نیز به دست نمی‌آید.

رابطه معنایی پدیده‌های همراه با لیل

آسمان شب بسیار تاریک است؛ اما زیبایی‌های خاص خود را دارد و آن نقاط درخشانی که به آن‌ها ماه و ستاره می‌گوییم، زینت‌بخش آسمان شب هستند. پدیده ماه یکی از همراهان شب است. بدون آن شب‌های زمین، خیلی تاریک شده و باعث مختل شدن آرامش مردم خواهد شد. ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (انبیاء/ ۳۳): اوست که شب و روز را آفرید و خورشید و ماه را خلق کرد که هر یک در مدارهای شناورند.

یکی دیگر از پدیده‌های همراه شب، ستاره‌ها هستند. خداوند این پدیده را مسخر انسان ساخت و فرمود: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ رَبِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل / ۱۲) و شب و روز، خورشید و ماه را نیز رام و مسخر شما قرار داد و ستارگان هم به فرمانش رام و مسخر شده‌اند؛ قطعاً در این حقایق نشانه‌هایی است برای گروهی که تعقل می‌کنند. برای حرکت در بیابان‌ها و پیدا کردن راه‌ها، نیاز به علائم است و ستارگان در شب، بهترین راهنما برای یافتن مقصد هستند، ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنُّجُومِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (نحل / ۱۶) و علامت‌هایی قرار داد که آن‌ها به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند؛ البته ستارگان آسمان هر کدام جایگاه مشخصی دارند و مسیر و مدار آن‌ها که طبق قانون جاذبه و دافعه، تعیین می‌شود، بسیار دقیق و حساب‌شده است و سرعت سیر آن‌ها هر کدام با برنامه معینی انجام می‌پذیرد، این مسأله از اهمیت خاصی برخوردار است که حتی خداوند هم از آن با قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾ (واقعه / ۷۵).

ارتباط معنایی لیل با واژه تسخیر: خداوند، شب را مانند روز، مسخر انسان قرار داد. ﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ (ابراهیم / ۳۳) مراد از تسخیر، شب و روز را در خدمت منافع و مصالح انسان قرار دادن است. این تسخیر، برای بهره‌بردن انسان‌ها، جلوه‌ای از نعمت‌های بی‌شمار خداوند است که شایسته شکر و سپاس

است به دلالت تنبیه، آیه اشاره دارد به نعمت‌های بسیاری که برای انسان، معلوم و بسیاری دیگر را که برای او معلوم نیست (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲: ۲۵۹).

از جمله روابط معنایی شب و روز، فراگیر شدن یکی بر دیگری است، جمله ﴿يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ﴾ به مسأله تدبیر اشاره می‌کند. تکویر، عبارت است از این که بعضی از اجزای چیزی را روی بعض دیگرش بیندازیم (طبرسی، ۱۳۶۰ق، ج ۸: ۴۸۸). بنابراین مراد، انداختن شب است روی روز و بالعکس. در نتیجه عبارت مزبور، استعاره به کنایه می‌شود و معنای آن به معنای آیه ﴿يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ﴾ (اعراف/ ۵۴) نزدیک می‌گردد، و مراد از آن پشت سر هم قرار گرفتن شب و روز به طور استمرار است که بدون وقفه، روز، شب را و شب، روز را پس می‌زند و خود ظهور می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۳۶۱).

یکی از امور دیگری که به مشیت الهی برمی‌گردد، رابطه معنایی تقلیب لیل و نهار است، ﴿يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (نور/ ۴۴)، خدا شب و روز را به هم بدل می‌کند که در این، برای اهل بصیرت عبرت است. همچنین تقلیب به معنای جانشینی شب و روز می‌باشد و هم به داخل شدن نور و تاریکی در ابتدای روز و شب که در نتیجه، تدریجی بودن روشن و تاریک شدن هوا را می‌رساند.

معنای خَلْفَهُ بودن این است که هر یک از شب و روز، جای دیگری را می‌گیرد. خداوند آن دو را برای تنها کسانی که متذکر و شاکر هستند، خَلْفَهُ قرار داد. ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾ (فرقان/ ۶۲) او است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد، برای آن کس که بخواهد اندرز گیرد و بخواهد شکرگزاری کند. تدبیر دائمی و خلل‌ناپذیر خداوند بر این تعلق گرفته است که شب و روز در اثر جریان طبیعی در مسیر خاص خود در حرکت باشند و نه شب از روز جلو بیفتد و نه روز از شب. ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (یس/ ۴۰).

از دیگر انواع ارتباطی شب و روز، انسلاخ است. ﴿وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسَلَخْنَا مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ﴾ (یس/ ۳۷)، و شب؛ نیز برای آنان عبرتی است که ما روز را از آن بیرون می‌کشیم و آن وقت، مردم در تاریکی قرار می‌گیرند. پدید آمدن ناگهانی شب به دنبال روز، یکی از آیت‌هایی است که دلالت بر تدبیر عام الهی می‌کند. زمانی که تاریکی شب،

همه جا را فرا می‌گیرد، به طور ناگهانی، روز وارد این تاریکی و ظلمت شده و نور روز، به تدریج همه جا را در بر می‌گیرد و دوباره در هنگام غروب آفتاب، شب به طور ناگهانی با ظلمتش، همه جاهای نورانی را فرا می‌گیرد.

یکی دیگر از روابط معنایی شب، اختلاف شب با روز است که برخی به معنای اختلاف و برخی به معنای پشت سر هم آمدن دانسته‌اند. ﴿لِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ﴾ (یونس / ۶)، محققاً در اختلاف شب و روز (از نظر کوتاهی و بلندی آن‌ها) و موجوداتی که خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیت‌هایی است برای مردمی که تقواپیشه‌اند.

حوزه معنایی اجزاء شب

جزء واژگی یکی از روابط مفهومی میان اقلام واژگانی است که رابطه کل به جزء را میان دو مفهوم می‌نمایاند (صفوی، ۱۳۹۲ ش: ۱۰۳). اجزاء معنایی واژه لیل را می‌توان چنین برشمرد:

رابطه معنایی لیل با شفق: شفق به نور ضعیفی گفته می‌شود که در نواحی مختلف زمین در زمان پیش از طلوع آفتاب و یا بعد از غروب آفتاب در آسمان روشن می‌شود، ﴿فَلَا أُقْسِرُ بِالشَّفَقِ﴾ (انشقاق / ۱۶) سوگند به شفق. معمولاً این نوع از شفق‌ها در ارتفاعات بالای کره زمین شکل می‌گیرند که در افق مغرب پس از غروب آفتاب دیده می‌شوند و نشان از برآمدن شب و برگشت روز است که پس از آن تاریکی شب مستولی می‌شود و به دنبال آن آرامش شب برقرار گردد (عمید، ۱۳۷۹ ش، ج ۲: ۱۳۱۰).

رابطه معنایی مغرب با لیل: مغرب زمانی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود. این زمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که خداوند به آن قسم یاد کرده و می‌فرماید: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ (لیل / ۱) سوگند به شب وقتی که روی روز را می‌پوشاند. در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿لِنَّ رَبَّكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف / ۵۴) شب را با روز می‌پوشاند. این جمله اصل را ظلمت شب و نور روز را از درخشندگی خورشید می‌داند. در واقع روز

پدیده‌ای است که بر شب عارض می‌شود و همان ظلمت مخروطی شکلی می‌شود که دائماً نصف کم‌تر سطح کره زمین را پوشانیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۱۸۷). اگر در جای دیگری آیه به صورت ماضی و در آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» (شمس / ۴) به شکل مضارع آمده است، شاید اشاره به این باشد که حوادثی همچون ظهور روز و شب، مخصوص زمانی نیست، گذشته و آینده را همه شامل می‌شود تا عمومیت این حوادث را در بستر زمان روشن سازد (مکارم شیرازی، ۱۴۰۷ق، ج ۲۷: ۴۲).

رابطه معنایی عشاء با لیل: به اول تاریکی شبانگاه بعد از مغرب؛ یعنی از زوال آفتاب تا طلوع فجر، عشاء گفته می‌شود. خداوند در قرآن به تاریکی شب، قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى» (ضحی / ۲) سوگند به تیرگی و ظلمت شب که جو و فضا را فرا می‌گیرد وقت عشاء با این سوگند قرآن به شب تطبیق دارد. مصدر «سَجَوْ» که فعل «سجی» مشتق از آن است، وقتی در کلمه لیل استعمال می‌شود، معنای سکونت و آرامش می‌دهد. سوگند به شب در این آیه، سوگند به تمام شب نیست؛ بلکه آن هنگام که تاریکی شب، سراسر زمین را فرا گیرد و زمینه آرامش را فراهم کند. شب زمانی به کمال می‌رسد که چند ساعت از آغازش بگذرد و تاریکی فراگیر شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۵۲۲).

رابطه معنایی سحر با لیل: از دیگر اجزاء لیل، سحر است که در قرآن می‌فرماید: «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْجِرُونَ» (ذاریات / ۱۸) در سحرها از خدای تعالی آمرزش گناهان خود را می‌طلبند. خداوند به سحرگهان سوگند یاد کرده است. «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ» (مدثر / ۳۳) و قسم به شب تاریک چون (به سحر که وقت راز و نماز مشتاقان خداست) باز گردد. «إِدْبَار» به معنای پشت کردن است، و مراد، پایان یافتن شب و آغاز سحر است. تلویحاً با توجه به قسم قبل و بعد این آیه، حال دو گروه از مردم را در هنگام نزول قرآن، به صورت شکافته شدن نور در تاریکی مثال می‌زند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹: ۲۹۹).

رابطه معنایی فجر با لیل: یکی از بخش‌های شب است و آن زمانی است که سپیده‌دم طلوع می‌کند. در سپیده‌دم، نور با شکافتن تاریکی شب، تحول عظیمی را در طبیعت به وجود می‌آورد و به تدریج، جهان را روشن می‌کند و آن زمانی است که هنگام ورود به نماز صبح و شروع روزه‌داری است، خداوند می‌فرماید: «وَالْفَجْرِ» (فجر / ۱) قسم به

فجر و شکافتن پرده سیاه شب. وقتی خدای تعالی به چیزی سوگند می‌خورد که دارای شرافت و منزلتی باشد، آنچه به خاطرش سوگند خورده، حق است، آن هم حقی مؤکد، که جای هیچ تردیدی در درستی آن نیست. چون شب می‌گذرد و فجر طلوع می‌کند که با این قسم قرآنی نیز مطابقت دارد که می‌فرماید: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّهُ﴾ (فجر / ۴) یعنی شب هنگامی که می‌گذرد. علت اینکه سیر را اضافه به شب کرده، برای این است که شب، سیر می‌کند به مسیر خورشید در فلک و انتقال آن از افق به افق دیگر که در اثر تابش اشعه خورشید از سوی مشرق، تیرگی شب، فضا را در هم می‌شکند (طبرسی، ۱۳۶۰ق، ج ۲۷: ۶۶).

رابطه معنایی صبح با لیل: صبح و صباح، هر دو اول روز و وقت پیدا شدن سرخی آفتاب در افق است. ارزش و جایگاه صبح بر کسی پوشیده نیست. صبح، به عنوان بخشی مهم از زمان، کارکردهای مهم و ارزشمندی در زندگی انسان دارد و به دلیل اهمیت آن در کلام وحی و روایات، از زوایای گوناگون، روی آن تأکید شده است. ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ (تکویر / ۱۸) سوگند به صبح چون دمیدن گیرد. وقتی تاریکی شب شکافته می‌شود و بعد از آرامش شب، لحظه‌های نورانی و سرشار از نشاط، به نام صبح دمیده می‌شود. خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور می‌دهد که: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾ (ق / ۳۹)، در برابر آنچه آن‌ها می‌گویند، شکیبا باش و تسبیح و حمد پروردگارت را قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب به جا آور، منظور بجا آوردن نماز صبح است. در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ (طور / ۴۹) وقت إدبار نجوم، آن هنگامی است که ستارگان در اثر روشنی صبح از نظر ناپدید می‌شوند. ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ﴾ (تکویر / ۱۷) سوگند به شب وقتی که رو می‌آورد، و وقتی که می‌رود. *راغب* گفته: منظور اول و آخر شب است، (مناسب‌تر با اتصال جمله مورد بحث با آیه ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ این است که بگوییم منظور تنها رفتن شب است. پس «عسسه» و «عساس» به معنای تاریکی مختصر است، نظیر تاریکی اول مغرب و قبل از آفتاب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۵۹۸).

رابطه معنایی فلق با لیل: کلمه «فلق»، مثل «فجر» به معنای شکافتن است، شکافتن سیاهی شب یا سپیده صبح است. درباره کلمه «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ» گفته شده، که

در اصل فالق ظلمة الاصبح، بوده است؛ یعنی اینکه خدا شکافنده تاریکی صبح می‌باشد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ۵: ج ۵۰). در آیه «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام/ ۹۶)؛ خدایی که ظلمت و سیاهی شب را می‌شکافد و عمود صبح را از آن بیرون می‌آورد.

حوزه معنایی کارکردهای شب

کارکرد؛ به معنای کار کردن و عمل است. شب، کارکردهای فراوانی برای انسان دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از کارکرد عبادی؛ کارکرد فرهنگی؛ کارکرد طبیعی؛ کارکرد اجتماعی و کارکرد تقویمی.

ارتباط معنایی کارکردهای عبادی با شب: نوع رابطه انسان با خداوند در طول شبانه‌روز از عوامل تأثیرگذار در زندگی انسان است. شب فرصت خوبی است که می‌توان به جبران غفلت‌های روزانه به پا خاست و گامی در مسیر تکامل برداشت. بررسی روابط معنایی میان دو واژه قرآنی «لیل» و «عبادت» نشان می‌دهد که مسأله «عبادت» به صورت «تسبیح» و «نماز و تلاوت قرآن»، به عنوان مهم‌ترین دلیل ایجاد سکینه در طول شب معرفی شده است. این مطلب را می‌توان از آیه ذیل برداشت نمود که می‌فرماید: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا» (مزمّل / ۶)، از نظر مفسران و عالمان دینی، قیام آخر شب برای نماز، سبب ثبات و استقامت در اجرای وظیفه خواهد شد؛ زیرا هنگام تاریکی شب، انسان از شواغل امور زندگی، فراغت فکری بیشتری دارد و قلب از خاطرات، آرامش خواهد داشت. انسان هرگاه در جای تاریک که هیچ چیزی حواس او را مختل نکند به عبادت بپردازد، بر اثر باز شدن قلب، امور روحانی و مکاشفات برای او ظهور پیدا می‌کند (فخر رازی، بی تا، ج ۳۰: ۶۸۴).

یکی دیگر از راه‌های ارتباط با خداوند، تلاوت قرآن در شب است؛ زیرا تلاوت آیات الهی به هنگام شب و در حال سجده، معیاری برای برتری و فضیلت انسان بر دیگران معرفی شده است: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» (آل عمران / ۱۱۳). اهل کتاب همه یکسان نبودند، طائفه‌ای شب‌زنده‌دار و تلاوت آیات خدا را در لحظه لحظه‌های شب داشتند و سجده می‌کردند. از فرامین مشترک در ادیان

الهی، لزوم اطاعت از خداوند، تلاوت آیات الهی و سجده به درگاه اوست (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۳۸۵).

یکی دیگر از دستورات قرآن کریم برای شب، تسبیح پروردگار است. تسبیح و ستایش پروردگار، در پاره‌هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب، دارای آثار و ارزشی ویژه است؛ زیرا لحظه‌ها و اوقات شبانه‌روز در شایستگی برای ذکر و دعا یکسان نیستند. به همین دلیل فرموده است: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَايِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾ (طه / ۱۳۰)؛ پس بر آنچه می‌گویند، صبر کن و خدایت را پیش از طلوع و غروب آفتاب و تمام لحظات شب و روز تسبیح کن و او را ستایش کن، امید است که راضی و خشنود شوی. همچنین دسته‌ای دیگر از آیات، تسبیح در سحرگاهان را مورد تأکید قرار داده است و می‌فرماید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ﴾ (طور / ۴۹)؛ در پاره‌ای از شب، پروردگار خود را تسبیح گوی.

ارتباط معنایی کارکرد طبیعی با شب: هر ملت بر اساس جهان‌بینی خویش برای طبیعت ارزش و جایگاهی خاص قائل بوده و ارتباطش را با طبیعت و عناصر طبیعی بر پایه اصول و ارزش‌های منبعث از جهان‌بینی خود شکل داده است. به این ترتیب شناسایی جایگاه عناصر طبیعی در اعتقادات و فرهنگ هر جامعه از اهمیتی بالا برخوردار است و هرچه شناخت و درک مفهومی مردم جامعه نسبت به طبیعت و عناصر طبیعی بیش‌تر و عمیق‌تر باشد، این جایگاه ارزشمندتر خواهد بود. خداوند در آیات زیادی انسان را به تفکر در طبیعت، دعوت می‌کند، مانند: خواب، مسکن، تغییرات حرکات زمین و تأثیر آن در طول شب و تأثیر ماه در شب، چگونگی جهت‌یابی در شب.

رابطه معنایی خواب با شب: بررسی روابط معنایی میان دو واژه قرآنی «لیل» و «نوم» (خواب) نشان می‌دهد که مسأله «استراحت و خواب» به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد آرامش برای انسان‌ها در طول شب مطرح شده است: ﴿وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا﴾ (نبأ / ۹). کلمه «سبات» به معنای راحتی و فراغت است؛ چون خوابیدن باعث آرامش و تجدید قوای بدنی می‌شود و خستگی ناشی از بیداری و تصرفات نفس در بدن از بین می‌رود. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۰، ۱۶۲). تجربه نشان داده است که زندگی بدون خواب میسر نیست به همین دلیل خداوند متعال در آیات دیگر بر این نکته تأکید کرده که استراحت

و خوابیدن، تنها یکی از آیات و نشانه‌های الهی برای انسان‌ها و یکی از اقداماتی است که در شب هنگام می‌بایست انجام شود، لذا فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاءُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ (روم/ ۲۳). بی‌شک، شب، بهترین فرصت برای افراد است تا بتوانند با ارتقاء رشد معنوی، از طریق عبادت، مطالعه و تحقیق، استراحت و تفکر و تأمل در حقایق جهان هستی، کمبودها و خلأهای خود را برطرف کنند؛ لذا از این آیه چنین برداشت می‌شود که شب تنها برای خواب و آسایش نیست؛ بلکه فرصتی طلایی برای عروج مؤمنان به سوی کمال روحی و عقلی و پیوستن به پروردگار جهانیان است که از آن برنامه‌ریزی سالمی برای آینده فراهم می‌آید. به همین دلیل حضرت علی(ع) در روایتی می‌فرماید که هنگام خواب، روح مؤمن بالا می‌رود و از برکات خداوند بهره‌مند می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۱: ۳۱)؛ لذا خواب و عروج روح انسان، از اسرار زندگی و از تدابیر خداوند برای ادامه حیات است که از راه لطف برای رفع خستگی و آرامش بر انسان و حیوانات مسلط گردانیده. همچنین خواب از آیات قدرت و دلیل بر وقوع قیامت است؛ زیرا خواب و خواب دیدن و بیدار شدن، هر یک آیت و نشانه بزرگی است که نشان از مردن و کیفیت عالم برزخ می‌باشد که انسان‌ها را برای پاداش اعمال، زنده می‌گردانند؛ زیرا فضل و کرم او بی‌انتهاء است، انسان را برای بقا آفریده نه برای فنا (امین، ۱۳۸۹ق، ج ۱۰: ۹۱).

رابطه معنایی مسکن با شب: آیین جاودانی و حیات بخش اسلام تمامی جنبه‌های زندگی انسان را در نظر داشته و به آرامش، سعادت و بهروزی آحاد بشری عنایت دارد و برای تأمین نیازهای واقعی جوامع انسانی ضوابطی را مشخص نموده است تا آنان به دور از ناگواری‌ها و نگرانی‌ها و با رعایت آن‌ها در کنار یکدیگر با امنیت و سلامتی زندگی کنند. یکی از نعمت‌هایی که قرآن بدان اشاره می‌کند، محل سکونت آدمی است. ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأُوبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ﴾ (نحل/ ۸۰). در قرآن کریم برای واژه مسکن، معادل بیت، دار، منزل به کار رفته است. پرکاربردترین واژه برای خانه، واژه بیت است که از ریشه بیت به معانی مختلف ۷۳ بار در قرآن کریم استفاده شده است. از ترکیبات مشهور این واژه، اهل بیت است که نشان‌دهنده اهمیت معنایی خانه به عنوان کانون

پیونددهنده میان انسان‌ها و هویت بخش به آن‌هاست. اصل «بیت»، جایگاه و پناهگاه انسان در شب است؛ زیرا می‌گویند «بات»؛ یعنی در شب اقامت گزید و ساکن شد. همانطور که برای روز می‌گویند ظل بالنهار، یعنی در پناه روز و روشنی روز قرار گرفت سپس به مسکن و خانه بدون در نظر گرفتن تعبیر شب «بیت» گفته‌اند که جمع آن، بیوت است، واژه بیوت، مخصوص خانه‌هاست (راغب، ۱۴۱۲ق: ۱۵۱). خداوند می‌فرماید: ﴿فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (نمل / ۵۲) اینک خانه‌های‌شان برای آن ستم‌ها که می‌کردند خالی مانده که در این برای گروهی که بدانند عبرتی است؛ واژه دیگری که به معنای خانه در قرآن به کار می‌رود «مسکن» است که از ریشه «سکن» و به معنی سکونت و آرام شدن است. سکون، ضد حرکت و به معنی سکونت و آرام یافتن از حرکت و اضطراب، معنی شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۲۱۱).

رابطه معنایی شب با تغییر طول آن بر اثر حرکات زمین: ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (اسراء / ۱۲) و ما شب و روز را دو آیت و نشانه قرار دادیم آنگاه از آیت شب کاستیم و آیت روز را همیشه تابان ساختیم تا شما در روز (روزی حلال) از فضل خدا طلب کنید و تا آنکه شمار سال‌ها و حساب اوقات را بدانید و هر چیزی را مفصل بیان کردیم. می‌دانیم شب و روز در خط استوا در تمام دوران سال شب ۱۲ ساعت و روز هم ۱۲ ساعت است، ولی در منطقه قطبی در مدار ۹۰ درجه، تمام سال یک شب و یک روز بیش نیست که هر کدام تقریباً شش ماه است؛ البته این گونه مناطق غالباً مسکونی نیست؛ اما عجب اینکه با این همه تفاوت، تمام نقاط روی زمین در عرض سال به یک اندازه از نور آفتاب بهره می‌برند و این نظامی است بسیار عادلانه. همیشه نور آفتاب سبب بیداری و هوشیاری و جنب و جوش و حرکت است و به عکس تاریکی، سبب سکون و آرامش و خواب است در روستاها که غالب مردم زندگی سالم طبیعی دارند؛ نیز برنامه همین است، در حالی که با پیشرفت تمدن ماشینی و ایجاد نورهای مصنوعی، بسیاری از افراد قسمت زیادی از شب را بیدار می‌مانند و قسمت زیادی از روز را می‌خوابند که این خود یکی از عوامل بیماری‌ها است. ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِنُورٍ أَوْ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِظُلْمٍ أَوْ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِنُورٍ﴾ (سجده / ۱۷)

إِلَهُ عَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ لَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَقْلًا تَبْصُرُونَ ﴿۷۲-۷۱﴾ (قصص/ ۷۱-۷۲) یکی از نکات آیه این است که می‌گوید در صورت دائمی شدن شب، چه کسی می‌خواهد نور را بیاورد و نمی‌گوید خورشید را بیاورد. و این به این معنی است که گوینده آیه می‌دانسته که شب و روز شدن در واقع ناشی از آمد و رفت خورشید نیست؛ بلکه دلیل آن چرخش زمین است.

رابطه معنایی شب با تأثیر آن در رویش گیاهان: یکی از فوائد شب این است که گیاهان برای رشد و دانه‌دهی و... نیاز به تاریکی شب دارند. قبل از هر چیز باید بدانیم که گیاه، علاوه بر آب، مواد معدنی و مواد آلی، برای رشد و نمو خود، به نور نیز نیاز دارد. بیش‌تر گیاهان، برای رشد و نمو، به یک دوره تاریکی نیز نیازمندند و مدت زمان این دوره تاریکی بسته به گونه گیاهی و حتی رقم گیاه، تغییر می‌کند.

﴿وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا﴾ وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿۳۱﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَهَا ﴿۲۹﴾ (نازعات/ ۲۹-۳۱) یک مسیر شناخته شده به نام مسیر واکنش تاریکی وجود دارد که به آن مسیر واکنش کربن می‌گویند که در این مسیر، تولید کربوهیدرات کامل می‌شود و آزادسازی اکسیژن انجام می‌شود. واکنش کربن در تاریکی و در شب اتفاق می‌افتد. در ضمن گیاهان برای تحریک آغاز دوره گل‌دهی نیز به تاریکی نیاز دارند. تعدادی از گیاهان، تحت تأثیر شب هستند، مانند زنبق آبی که در هوای گرگ و میش، گل می‌دهد. بعضی از گل‌ها، مانند گل مهتاب، زیر نور ماه می‌شکفتند و شب‌ها به سرعت باز می‌شود.

ارتباط معنایی شب با کارکرد اجتماعی: انسان موجودی نیازمند است و برای رفع مرتبه‌ای از این نیازها، محتاج به زندگی اجتماعی است؛ زیرا در این شیوه زندگی، علاوه بر رفع احتیاج‌های اولیه و ثانویه خود، قابلیت‌های وجودی او نیز شکوفا می‌شود. به عبارتی هویت واقعی انسان، زمانی آشکار می‌شود که وی بتواند تمام استعدادهای خویش را به فعلیت برساند و به بلندای مقام انسانی خویش بار یابد و با تحقق این اوصاف انسانی است که می‌تواند جامعه‌ای سالم و مفید داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱۷: ۲۳). بررسی روابط معنایی میان دو واژه قرآنی «لیل» و «زوج» نشان می‌دهد که مسأله «ازدواج» و زیرشاخه‌های آن یعنی «تشکیل خانواده» و «ارضای نیازهای جنسی» به عنوان مهم‌ترین دلیل ایجاد آرامش و سکینه برای انسان‌ها در طول شب معرفی شده

است. از منظر قرآن کریم پیوند ازدواج، مقدمه شروع سکنی یافتن و سکنی گزیدن انسان است تا هر کس آرامش خود را در دیگری بیابد و نیز منشأ آرامش دیگری شود. خداوند متعال نیز هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده و می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ﴾ (روم/۲۱)

از نظر دین اسلام، خانواده، کوچک‌ترین و در عین حال مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است که می‌تواند در کاهش اضطراب و دستیابی به آرامش به خصوص در شب مؤثر باشد؛ زیرا اصیل‌ترین نیازهای آدمی در ظرف خانواده تأمین می‌گردد. به همین دلیل رسول خدا(ص) حضور در خانه و همراهی و نشستن نزد خانواده به ویژه در شب را از اعتکاف و عبادت در مسجد مدینه، نزد خدا محبوب‌تر دانسته است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۴۲۲).

رابطه معنایی شب با کارکردهای تقویمی: شب یکی از زمان‌هایی است که انسان می‌تواند برای دستیابی به تقویم از حالت‌های مختلف ماه در طول یک دوره ۳۰ روزه و جهت‌گیری ستارگان به عنوان موقعیت‌های زمانی برتر و بهتر از آن بهره‌مند شود.

حالت‌های مختلف ماه: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (بقره/ ۱۸۹)
از تو از هلال‌ها می‌پرسند که غرض از اینکه قرص قمر در هر ماه یک بار به صورت هلال در می‌آید چیست؟ بگو این‌ها وقت‌ها را برای مردم و برای حج معین می‌کنند. حرکت کرات و ماه، دارای برنامه و زمان‌بندی دقیقی است که می‌تواند در برنامه عبادت و نظم امور زندگی مردم مؤثر باشد. اشکال مختلف ماه، حکم یک نوع تقویم عمومی را دارد که در اختیار همه است. نیاز به تقویم و تاریخ، لازمه زندگی اجتماعی است و بهترین وسیله عمومی برای این تقویم همین است که افراد در هر کجای عالم با یک نگاه و در یک لحظه بتوانند روزهای ماه را تشخیص دهند.

شب و جهت‌یابی: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبُحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (انعام/ ۹۷) خداوند ستاره‌ها را آفرید تا انسان‌ها در تاریکی‌های خشکی و دریایی از آن‌ها کمک بگیرند و راه و جهت را پیدا کنند. جهت‌یابی در شب با روش‌های

مختلف صورت می‌گیرد، از طریق ستارگان (ستاره قطبی)؛ هلال ماه و جهت یابی با ستاره قطبی: از آنجا که ستاره‌ها بر محور ستاره قطبی در آسمان می‌چرخند، در نیم‌کره شمالی زمین، ستاره قطبی، جهت شمال جغرافیایی را نشان می‌دهد؛ یعنی اگر رو به آن بایستیم، رو به شمال خواهیم بود، در نتیجه نقطه مقابل آن جهت جنوب است. اگر به دلیل وجود ابر یا درختان، نتوان ستاره‌ها را دید، می‌توان از ماه برای جهت‌یابی استفاده کرد. حرکت ظاهری ماه در آسمان از شرق به غرب است. ماه به شکل هلال باریکی تولد می‌یابد و در نیمه‌های ماه قمری به قرص کامل تبدیل می‌شود، سپس در جهت مقابل، هلالی می‌شود. در نیمه اول ماه‌های قمری قسمت خارجی ماه (برآمدگی و برجستگی ماه)، مانند پیکانی، جهت غرب را نشان می‌دهد. در نیمه دوم ماه‌های قمری، برجستگی ماه به سمت مشرق است. کره ماه در نیمه اول ماه‌های قمری پیش از غروب آفتاب طلوع می‌کند و در نیمه دوم پس از غروب، تا پایان ماه که پس از نیمه شب طلوع می‌نماید.

نتیجه بحث

نگاه معناشناختی به متن و تحلیل معنایی واژگان متن، یکی از راه‌های دستیابی به دقایق معنا و پی‌بردن به مقصود اصلی گوینده است. این نوع نگاه، به طور خاص در قرآن که به باور مسلمانان عین سخن خداوند و معجزه الهی است و از سطوح معنایی متعددی برخوردار است به دلیل اهمیت پیام و نقش آن در تأمین سعادت جاودانه بشر اهمیتی مضاعف می‌یابد. برای رسیدن به جایگاه دقیق معنایی هر واژه، علاوه بر لغت‌شناسی و بررسی دقیق مدلول استعمالی تک‌تک واژه‌ها، به بررسی نظام معنایی حاکم بر قرآن و جایگاه هر یک از واژه‌ها در کل نظام معنایی و نیز ارتباط هر واژه با سایر واژگان مرتبط در متن قرآن نیازمندیم. در این مقاله تلاش شد با استفاده از روش معناشناسی و تکنیک کشف روابط معنایی، به تحلیل و تبیین روابط معنایی «لیل» به عنوان واژه کلیدی قرآن کریم با چند واژه دیگر پرداخته شود. به همین منظور پس از ارائه تعریف واژگان به معرفی روش معناشناسی پرداخته و ضرورت و چگونگی استفاده از روش روابط معنایی برای دستیابی به مفاهیم و مؤلفه‌های بنیادین را تبیین کردیم. در فرایند اجرای روش

برای دستیابی به هدف تحقیق، به معناسناسی واژه «لیل» در ارتباط با برخی از هم‌نشین‌های آن پرداخته شده است.

۱- از مجموعه روابط معنایی دو واژه «لیل» و «سکینه» در قرآن کریم مشخص می‌شود که خداوند متعال تمام کائنات را برای بشر آفریده است و شب را برای آرامش انسان‌ها خلق کرده است.

۲- رابطه معنایی لیل با پدیده‌های همراه با آن از جمله «ماه و ستارگان و تاریکی» نشان‌دهنده این است که خداوند آن‌ها را مسخر انسان ساخت؛ زیرا بدون آن‌ها آرامش انسان مختل می‌شد.

۳- حوزه معنایی رابطه شب با روز، مهم‌ترین کلیدواژه‌ها: تسخیر، تکویر، تغشی، تقلیب، خَلْفَةٌ، انْسَلَاخ، اختلاف.

۴- در حوزه رابطه شب با بخش‌های آن، مهم‌ترین کلیدواژه‌ها: شفق، مغرب، عشاء، سحر، فجر، صبح و فلق.

۵- در حوزه رابطه شب با عبادت به عنوان مهم‌ترین کلیدواژه با زیرشاخه‌های «نماز خواندن»، «تسبیح گفتن» و «قرائت قرآن» در آیات مختلف بیان شده است.

۶- در حوزه رابطه شب با کارکرد طبیعی، به عنوان مهم‌ترین کلیدواژه با زیرشاخه‌های «خواب»، «مسکن»، «تأثیر حرکات زمین در طول شب» و «تأثیر شب بر رویش گیاهان» در آیات مختلف بیان شده است.

۷- در حوزه رابطه شب با اجتماع، مهم‌ترین کلیدواژه «زوج» است که با زیرشاخه‌های «تشکیل زندگی»، «حضور در خانواده و گفت‌وگو با دیگران»، «ارضای نیازهای جنسی» در آیات مختلف بیان شده است.

۸- در حوزه رابطه شب با تقویم، حالت‌های ماه و جهت‌یابی است و کارکرد همه آن‌ها ایجاد آرامش دانسته شده است.

توجه به مؤلفه‌های معنایی و آنچه به عنوان نتیجه تحلیل روابط معنایی واژه لیل در قرآن کریم مبتنی بر محور هم‌نشینی و جانشینی به دست آمده، می‌تواند به تعیین حوزه‌های معنایی واژه لیل در قرآن منتهی شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد بن طاهر. ۱۴۲۰ق، *التحریر والتنوير*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- امین، نصرت بیگم. ۱۳۸۹ش، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، اصفهان: گلبهار.
- آریان پور، امیرحسین. ۱۳۸۱ش، *زمینه جامعه شناسی*، تهران: گستره.
- بزرگ‌خو، نرگس. ۱۳۸۸ش، *بررسی معناشناختی دین در قرآن کریم با نگاه تطبیقی به دیدگاه مفسران و متکلمان*، تهران: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- بی‌یرویش، مانفرد. ۱۳۷۴ش، *زبان شناسی جدید*، ترجمه محمدرضاباطنی، تهران: نشر آگاه.
- پاکتچی، احمد و همکاران. ۱۳۹۰ش، *پروژه علمی - پژوهشی گنج واژه قرآن کریم*، تهران: جزوه چاپ شده مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع).
- جوادی املی، عبدالله. ۱۳۸۸ش، *تفسیر موضوعی قرآن*، قم: نشر اسراء.
- حر عاملی، محمدبن حسن. ۱۴۰۹ق، *وسایل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حسینی همدانی، محمد. ۱۴۰۴ق، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: لطفی.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۱۹ش، *لغتنامه*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: بیروت.
- شعیری، حمیدرضا. ۱۳۸۱ش، *تجزیه و تحلیل نشانه - معنا شناختی گفتمان*، تهران: سمت.
- صفوی، کورش. ۱۳۸۴ش، *فرهنگ توصیفی معنی شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- صفوی، کورش. ۱۳۸۷ش، *آشنایی با تاریخ زبان شناسی*، تهران: پژوهاک کیوان.
- صفوی، کورش. ۱۳۹۲ش، *درآمدی بر معنی شناسی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۰ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عمید، حسن. ۱۳۷۹ش، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فخر رازی، محمد. بی تا، *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کروز، دا. ۱۳۸۴ش، *معنی شناسی زبان های دنیا*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: فواد.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مختار عمر، احمد. ۱۳۸۶ش، *معناشناسی*، ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۰۷ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامية.
نجفی، خمینی محمدجواد. ۱۳۹۸ش، **تفسیر آسان**، تهران: انتشارات اسلامیة.

مقالات و پایان نامه‌ها

رهنما، هادی. ۱۳۸۲ش، «معناشناسی نام‌های معاد در قرآن کریم»، پایان‌نامه ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
سلمان نژاد، مرتضی. ۱۳۹۱ش، «معناشناسی تدبر در قرآن با تکیه بر روابط همنشینی و جانشینی»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره ۱۸، شماره ۵۲، صص ۱۰۳-۱۲۴.
مطیع، مهدی. ۱۳۸۷ش، «معناشناسی زیبایی در قرآن کریم»، پایان‌نامه دوره دکتری الهیات، تهران: دانشگاه امام صادق.

Bibliography

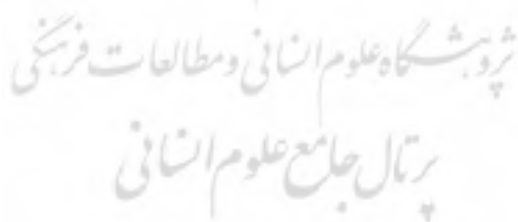
The Holy Quran.

- Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir. 1420 AH, Al-Tahrir and Al-Tanvir, Beirut: Dar Ehya Al-Taras Al-Arabi.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1414 AH, Arabic language, Beirut: Dar Sader.
- Amin, Nusrat Beigum. 2010, the repository of mysticism in the interpretation of the Quran, Isfahan: Golbahar.
- Arianpour, Amir Hossein 2002, Sociological Field, Tehran: Gostareh.
- Bozorgkhoo, Narges. 2009, A semantic study of religion in the Holy Quran with a comparative view of the views of commentators and theologians, Tehran: University of Holy Quran Sciences and Education.
- Biyuresh, Manfred. 1995, New Linguistics, translated by Mohammad Rezabateni, Tehran: Agah Publishing.
- Pakatchi, Ahmad et al. 2011, Scientific-Research Project of the Holy Quran Word Treasure, Tehran: Published Booklet of Imam Sadegh (AS) University Research Center.
- Javadi Amoli, Abdullah 2009, thematic interpretation of the Qur'an, Qom: Esra Publishing.
- Horr Amoli, Muhammad ibn Hassan. 1409 AH, Vasaal Al-Shiite Ela Tahsil Masaal Al-Sharia, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Hosseini Hamedani, Mohammad 1404 AH, Anvar Derakhshan in the interpretation of Quran, Tehran: Lotfi.
- Dekhoda, Ali Akbar. 1940, Dictionary, Tehran: Institute of Printing and Publishing, University of Tehran.
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. 1412 AH, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Damascus: Beirut.
- Shaeiri, Hamid Reza 2002, Sign-Semantic Analysis of Discourse, Tehran: Samt.
- Safavi, Kurosh. 2005, Descriptive Culture of Semantics, Tehran: Farhang Moaser.
- Safavi, Kurosh. 2008, Introduction to the History of Linguistics, Tehran: Pejvak Keyvan.

- Safavi, Kurosh. 2013, Introduction to Semantics, Tehran: Islamic Propaganda Organization.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1417 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Tehran: Allameh Tabatabai Scientific and Cultural Foundation.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1981, Collection of Statements in the Interpretation of the Qur'an, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Amid, Hasan, 2000, Amid Dictionary, Tehran: Amirkabir Publications.
- Fakhr Razi, Mohammad Bita, Tafsir Kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Cruz, D.A. 2005, Semantics of World Languages, translated by Kourosh Safavi, Tehran: Fouad.
- Majlisi, Mohammad Baqir 1404 AH, Bahar Al-Anvar, Beirut: Al-Wafa Foundation.
- Mokhtar Omar, Ahmad, 2007, semantics, translated by Seyed Hossein Seyedi, Mashhad: Ferdowsi University
- Makarem Shirazi, Nasser. 1407, Tafsir Nomoneh, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
- Najafi, Khomeini Mohammad Javad 2019, Easy Interpretation, Tehran: Islamic Publications.

Articles and dissertations

- Rahnama, Hadi. 2003, "Semantics of Resurrection Names in the Holy Quran", Master Thesis, Tehran: Imam Sadegh (AS) University.
- Salmannejad, Morteza 2012, "Semantics of contemplation in the Qur'an based on the relations of companionship and succession", Historical Studies of the Qur'an and Hadith, Volume 18, Number 52, pp. 103-124.
- Motie, Mehdi. 2008, "Aesthetic Semantics in the Holy Quran", PhD Thesis, Tehran: Imam Sadegh University.



The semantic domains of Lail in the Qur'an

Date of Received: November 7, 2019

Date of Acceptance: February 8, 2019

Maliheh Taheri Dolatabadi

PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Yazd Branch. Malihetahery2@gmail.com

Abolghasem Asi

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Yazd Branch. mozneb1@iauyazd.ac.ir

Ahmad Zare Zardini

Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Meybod Branch.

Hamid Shamrizi

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Yazd Branch. Corresponding author: Abolghasem Asi

Abstract

Semantics is one of the new approaches in Quranology of the last century. This knowledge has been very effective in the growth and promotion of Quranology today and has been welcomed by Quran scholars. One of the branches of semantics is structural semantics, and among them, one of its topics is determining the semantic domains of a word. In the following article, the semantic domain of Lail in the Holy Quran is explained. The research method is textual analysis based on the pattern of accompaniment and substitution of words with the word Lail. This study shows that the words that are related to this word in the process of companionship and succession can be examined as the semantic pairs and subsets of semantic relations day and night (inclusiveness of night and day, etc.); Phenomena accompanying the night (moon, stars and darkness); The sections of Lail (Shafaq, Maghrib, etc.), the functions of Lail (devotional, social, calendar, natural) and the semantic-conceptual types of Lail (complementary, intensifying, distributive and reciprocal) in the Qur'an were examined.

Keywords: semantics, semantic domains, Lail, companion, successor, semantic pair.